

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم «اسیر»

اختر شمار

خورده باشم مگر هیچ شیر مادر را
که تا دوباره نبوسم دهان ساغر را

ترا به من سر مهر و وفا بدان ماند
که تا به کعبه مسلمان کنند کافر را

لبت چو قند، مکرر مکیده آب کنم
اگر به دست من آرند این مکرر را

به آب توبه مگر شسته اند دامن من
که ساقی از کف من دور کرد ساغر را

تو شاد باش، اگرچه به شعله های فراق
شبانۀ یکه و تنها شمارم اختر را

مقدر است که جان در ره تو بسپارم
بگیر تیغ و بجا ساز این مقدر را

ز حد گذشت غم و محنت فراق، ولی
به دوش میکشم این درد نابرابر را

نگار از پی قتلم نشسته است به جنگ
رها نمیکم آسان، کنار سنگر را

ز من پرس که زاهد دگر چه میگوید
که نزد من سخنش داده رنگ و جوهر را

«اسیر» نام رقیب از چه میبری به زبان؟

مگو که نام وی آلوده ساخت دفتر را

(شهر بن - المان، جولای ۱۹۹۵ع)